



الگوی مطلوب تکافل اجتماعی در اسلام

دکتر مصطفی کاظمی نجف‌آبادی

دکتر سیدرضا حسینی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۴۰۲

کاظمی نجف‌آبادی، دکتر مصطفی (۱۳۵۹): حسینی، دکتر سیدرضا (۱۳۴۲) -
الگوی مطلوب تکافل اجتماعی در اسلام / دکتر مصطفی کاظمی نجف‌آبادی؛ دکتر سیدرضا حسینی - قم: پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه، ۱۴۰۲.
۲۶۰ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۶۶۶؛ اقتصاد: ۴۶)
ISBN: 978-600-298-352-7
بها: ۱۱۷۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۲۴۸] - ۲۶۰: همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت: کتابنامه: ص ۲۲۱-۲۳۹.
موضوع: تأمین اجتماعی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
Social security -- Religious aspects -- Islam
رده‌بندی کنگره: BP۲۳۰/۲ رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی ۸۹۹۸۳۴۳



الگوی مطلوب تکافل اجتماعی در اسلام

مؤلفان: دکتر مصطفی کاظمی نجف‌آبادی، دکتر سیدرضا حسینی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۲

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۱۷۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه محفوظ و نقل
مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱، ص. پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر:

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن ناشران

نیاز گسترده دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شوند و افزون بر ارتقای کمی و کیفی منابع درسی و جلوگیری از دوباره‌کاری، گامی در مسیر تولید دانش‌های مربوط برداشته شود؛ از این رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه علمیه برای نیل به هدف یادشده، دهمین اثر مشترک خود را با عنوان «الگوی مطلوب تکافل اجتماعی در اسلام» به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این اثر به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته اقتصاد در مقطع لیسانس در درس اصول و مبانی بیمه و تأمین اجتماعی و دانشجویان رشته علوم اجتماعی گرایش تعاون و رفاه اجتماعی در مقطع لیسانس و بالاتر، قابل استفاده است. همچنین این اثر برای سایر علاقه‌مندان و پژوهشگران اقتصاد اسلامی توصیه می‌گردد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، دکتر مصطفی کاظمی نجف‌آبادی و دکتر سیدرضا حسینی و نیز ارزیابان محترم، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد کاظم رجایی و جناب آقای دکتر مهدی طغیانی سپاسگزاری کنیم.

دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی

معاونت پژوهش حوزه

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
یک: اهمیت موضوع.....	۱
دو: ادبیات موضوع.....	۴
سه: مفاهیم اساسی.....	۶
۱. الگو.....	۶
۲. تکافل اجتماعی.....	۷
چهار: فصل بندی کتاب.....	۹

فصل اول: چارچوب نظری تکافل اجتماعی در اسلام

هدف کلی.....	۱۱
اهداف رفتاری.....	۱۱
مقدمه.....	۱۱
۱. جایگاه بخش خیریه در اقتصاد اثباتی: نظریه سه شکست.....	۱۲
۱-۱. شکست بازار.....	۱۲
۱-۲. شکست دولت.....	۱۴
۱-۳. شکست بخش خیریه.....	۱۵
۱-۴. نقد و بررسی نظریه.....	۱۸
۲. جایگاه بخش خیریه در چارچوب سیاست گذاری اجتماعی در اسلام.....	۱۹
۱-۲. اهداف غایی سیاست گذاری اجتماعی در اسلام.....	۲۰
۱-۲-۱. تکامل شخصیت انسان (رشد معنوی).....	۲۰
۱-۲-۲. رشد و بهبود شرایط اجتماعی (رشد اجتماعی).....	۲۱
۱-۲-۳. فراوانی امکانات رفاهی (رشد فیزیکی).....	۲۲
۲-۲. مسیر دستیابی به اهداف اجتماعی در اسلام.....	۲۴
۳-۲. نهادهای مسئول در تحقق اهداف اجتماعی در اسلام.....	۲۶

۲۶ ۱-۳-۲ نهاد بازار
۲۷ ۲-۳-۲ نهاد تکافل
۲۸ ۳-۳-۲ نهاد دولت
۳۰ ۴-۲ حدود و ترتیب مسئولیت هر یک از نهادهای سه‌گانه
۳۱ ۵-۲ وظایف و اقدامات دولت در حوزه خیرخواهی
۳۲ ۱-۵-۲ توانمندسازی انگیزشی
۳۲ ۲-۵-۲ گسترش فرهنگ امر خیر
۳۴ ۳-۵-۲ فراهم کردن چارچوب قانونی
۳۴ ۴-۵-۲ فراهم کردن زیرساخت‌های مورد نیاز برای فعالیت بخش خیریه
۳۵ ۵-۵-۲ تشویق امور عام‌المنفعه با استفاده از مشوق‌ها و تخفیف‌های مالیاتی
۳۷ ۶-۵-۲ نظارت بر عملکرد مؤسسات خیریه
۳۸ خلاصه فصل
۳۹ پرسش‌های فصل
۳۹ منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل دوم: مبانی تکافل اجتماعی

۴۱ هدف کلی
۴۱ اهداف رفتاری
۴۱ مقدمه
۴۲ ۱. مبانی اعتقادی و فلسفی
۴۲ ۱-۱. مبانی معرفت‌شناختی تکافل اجتماعی
۴۴ ۲-۱. مبانی هستی‌شناختی تکافل اجتماعی
۴۶ ۳-۱. مبانی انسان‌شناختی تکافل اجتماعی
۵۰ ۴-۱. مبانی ارزش‌شناختی تکافل اجتماعی
۵۳ ۵-۱. مبانی جامعه‌شناختی تکافل اجتماعی
۵۴ ۲. مبانی رفتاری
۵۴ ۱-۲. مبانی سیاسی
۵۶ ۱-۱-۲. امت اسلامی؛ دلالت‌ها، ویژگی‌ها و الزامات
۵۹ ۲-۱-۲. تعاملات مسلمانان تحت پرچم امت اسلامی
۶۰ ۳-۱-۲. ترابط و تلازم تکافل اجتماعی با امت اسلامی
۶۱ ۲-۲. مبانی اقتصادی
۶۱ ۱-۲-۲. اشتغال و تولید
۶۲ ۲-۲-۲. توزیع درآمد و ثروت
۶۳ ۳-۲-۲. مصرف و تخصیص درآمد
۶۵ خلاصه فصل

۶۷	پرسش‌های فصل
۶۷	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل سوم: تکافل اجتماعی در فقه

۶۹	هدف کلی
۶۹	اهداف رفتاری
۶۹	مقدمه
۷۰	۱. مضمولان تکافل اجتماعی در فقه
۷۱	۱-۱. فقرا
۷۲	۲-۱. مساکین
۷۳	۳-۱. گروه‌های خاصی از فقرا و مساکین
۷۴	۱-۳-۱. ایتمام
۷۴	۲-۳-۱. زنان بی‌سرپرست
۷۵	۳-۳-۱. سالمندان
۷۵	۴-۳-۱. بیماران و معلولان
۷۶	۵-۳-۱. محصلان
۷۶	۶-۳-۱. بستگان
۷۷	۷-۳-۱. همسایگان
۷۷	۴-۱. در راه‌ماندگان
۷۷	۵-۱. جهادگران در راه خدا
۷۸	۶-۱. حاجت‌خواهان
۷۹	۷-۱. تألیف قلوب شوندهگان
۸۰	۸-۱. ورشکستگان
۸۰	۹-۱. پیداشدگان
۸۰	۲. سازوکارهای تأمین مالی تکافل اجتماعی در فقه
۸۱	۱-۲. سازوکارهایی با عناوین فراگیر
۸۱	۱-۱-۲. انفاق
۸۲	۲-۱-۲. صدقه
۸۶	۱-۲-۱-۲. صدقات واجب
۸۶	۲-۲-۱-۲. صدقات مستحب
۸۷	۳-۲-۱-۲. صدقه و تکافل اجتماعی
۸۷	۴-۲-۱-۲. آداب صدقه
۸۸	۳-۱-۲. اطعام
۸۸	۲-۲. سازوکارهای الزامی
۸۹	۱-۲-۲. نفقات واجب

۹۰ ۲-۲-۲. زکات
۹۱ ۳-۲-۲. خمس
۹۲ ۴-۲-۲. کفارات
۹۴ ۵-۲-۲. قربانی
۹۶ ۳-۲. سازوکارهای الزامی اختیاری
۹۷ ۱-۳-۲. نذر
۹۸ ۲-۳-۲. قسم
۹۹ ۳-۳-۲. عهد
۹۹ ۴-۳-۲. وصیت به ثلث مال
۱۰۰ ۵-۳-۲. وقف
۱۰۱ ۶-۳-۲. حبس
۱۰۲ ۷-۳-۲. سکنی، عمری و رقبی
۱۰۲ ۴-۲. سازوکارهای اختیاری
۱۰۳ ۱-۴-۲. هبه
۱۰۳ ۲-۴-۲. هدیه
۱۰۴ ۳-۴-۲. قرض الحسنه
۱۰۵ ۴-۴-۲. عاریه
۱۰۶ خلاصه فصل
۱۰۷ پرسش‌های فصل
۱۰۷ منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل چهارم: تکافل اجتماعی در اخلاق اسلامی

۱۰۹ هدف کلی
۱۰۹ اهداف رفتاری
۱۰۹ مقدمه
۱۱۰ ۱. جایگاه خیرخواهی در فلسفه اخلاق اسلامی
۱۱۲ ۲. اصول اخلاقی حاکم بر رفتار عرضه‌کنندگان و جوه خیریه
۱۱۳ ۱-۲. رعایت اعتدال و میانه‌روی
۱۱۵ ۲-۲. خیرخواهی و جلب رضایت الهی در انفاق
۱۱۷ ۳-۲. رعایت اولویت گیرندگان به ترتیب نزدیک‌ترین‌ها
۱۱۸ ۴-۲. رعایت اولویت نیازها به ترتیب اهمیت
۱۱۸ ۵-۲. پرهیز از اسراف و تبذیر
۱۲۰ ۶-۲. رعایت عزت نفس و کرامت گیرندگان
۱۲۳ ۷-۲. مباشرت در اعطا
۱۲۴ ۸-۲. تسریع در تخصیص و جوه خیریه

۱۲۵	۹-۲. رعایت پاکیزگی و پاکدستی
۱۲۵	۳. اصول اخلاقی حاکم بر تقاضای وجوه خیریه
۱۲۶	۱-۳. پافشاری نکردن بر درخواست
۱۲۷	۲-۳. تقاضا نکردن از افراد نااهل
۱۲۷	۳-۳. سپاسگزاری و رفتار نیکو با انفاق کننده
۱۲۸	۴-۳. قناعت به مقدار مورد نیاز
۱۲۹	خلاصه فصل
۱۳۰	پرسش های فصل
۱۳۰	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل پنجم: عرضه و تقاضای تکافل اجتماعی در اقتصاد اسلامی

۱۳۱	هدف کلی
۱۳۱	اهداف رفتاری
۱۳۱	مقدمه
۱۳۲	۱. ماهیت خدمات تکافلی
۱۳۳	۲. ویژگی های خدمات تکافلی
۱۳۴	۱-۲. عدم تقارن اطلاعات
۱۳۴	۲-۲. مخاطرات اخلاقی (کژمنشی)
۱۳۵	۳-۲. انتخاب بد و نامناسب (کژگزینی)
۱۳۶	۴-۲. وجود آثار خارجی مثبت
۱۳۶	۵-۲. پدیده سواری مجانی
۱۳۷	۳. تقاضای خدمات تکافلی در اقتصاد اسلامی
۱۳۸	۴. عرضه خدمات تکافلی در اقتصاد اسلامی
۱۳۹	۵. عوامل مؤثر بر عرضه خدمات تکافلی
۱۴۰	۱-۵. عوامل انگیزشی
۱۴۰	۱-۱-۵. انگیزاننده های مذهبی (سطح ایمان و تقوا)
۱۴۲	۲-۱-۵. خودخواهی یا نوع دوستی
۱۴۲	۳-۱-۵. رهایی از احساس گناه
۱۴۳	۴-۱-۵. شهرت
۱۴۳	۲-۵. عوامل اقتصادی
۱۴۳	۱-۲-۵. درآمد (و ثروت)
۱۴۴	۲-۲-۵. نیاز
۱۴۵	۳-۵. عوامل جمعیت شناختی
۱۴۵	۴-۵. عوامل شخصیتی
۱۴۵	۵-۵. ویژگی های پیرامونی

۱۴۶	۵-۵-۱. میزان مشارکت دیگران.....
۱۴۶	۵-۵-۲. مخفی یا آشکارا بودن دِهش.....
۱۴۷	۵-۵-۳. نوع علاقه و ارتباط نیازمند و نیکوکار.....
۱۴۷	۵-۵-۴. فرهنگ خیریه.....
۱۴۸	۵-۵-۵. اعتماد عمومی.....
۱۴۸	۵-۵-۶. چارچوب قانونی و اداری.....
۱۴۹	۵-۵-۷. مشوق‌های مالی.....
۱۵۰	۵-۵-۸. رشد و ثبات اقتصادی و سیاسی.....
۱۵۰	۶. تحلیل عرضه و تقاضای خدمات تکافلی.....
۱۵۱	۶-۱. تحلیل هندسی عرضه و تقاضا.....
۱۵۳	۶-۱-۱. منحنی عرضه.....
۱۵۴	۶-۱-۲. منحنی تقاضا.....
۱۵۵	۶-۱-۳. تعادل عرضه و تقاضا.....
۱۵۶	۶-۲. بیان جبری توابع عرضه و تقاضا.....
۱۵۷	۷. راهکارهای اصلاح عدم تعادل و دستیابی به وضعیت مطلوب.....
۱۵۷	۷-۱. اصلاح ساختارها.....
۱۵۸	۷-۲. اصلاح انگیزه‌ها.....
۱۶۰	خلاصه فصل.....
۱۶۲	پرسش‌های فصل.....
۱۶۲	منابعی برای مطالعه بیشتر.....

فصل ششم: تحلیل وضعیت موجود تکافل اجتماعی در ایران

۱۶۳	هدف کلی.....
۱۶۳	اهداف رفتاری.....
۱۶۳	مقدمه.....
۱۶۴	۱. وضعیت مورد انتظار.....
۱۶۶	۲. وضعیت تکافل اجتماعی در ایران.....
۱۶۶	۲-۱. عرضه خدمات تکافلی.....
۱۶۷	۲-۲. تقاضای خدمات تکافلی.....
۱۶۹	۲-۳. نهادهای تکافلی.....
۱۷۰	۳. آسیب‌شناسی نهادهای تکافل اجتماعی در ایران.....
۱۷۱	۳-۱. نبود شبکه خیرخواهی.....
۱۷۲	۳-۲. نبود ضابطه‌مندی در خیریه‌ها.....
۱۷۳	۳-۳. کاستی‌های حوزه سیاست‌گذاری.....
۱۷۳	۳-۴. مشکلات حوزه قانون‌گذاری.....

۱۷۳	۵-۳. نبود نظارت کارآمد.....
۱۷۴	۶-۳. کاستی‌ها در حوزه فرهنگ‌سازی.....
۱۷۵	۷-۳. نبود آموزش در حوزه خیرخواهی.....
۱۷۶	۸-۳. وضعیت تسهیل‌گری در حوزه خیرخواهی.....
۱۷۶	۹-۳. وضعیت حوزه خدمت‌رسانی.....
۱۷۸	خلاصه فصل.....
۱۷۹	پرسش‌های فصل.....
۱۷۹	منابعی برای مطالعه بیشتر.....

فصل هفتم: تحلیل نهادنگاشت تکافل اجتماعی در ایران

۱۸۱	هدف کلی.....
۱۸۱	اهداف رفتاری.....
۱۸۱	مقدمه.....
۱۸۲	۱. نهادنگاشت الگو براساس انواع کنش‌گران فعال در حوزه تکافل اجتماعی.....
۱۸۳	۱-۱. نهاد سیاست‌گذار.....
۱۸۴	۱-۱-۱. عناصر بیرونی در حوزه سیاست‌گذاری.....
۱۸۴	۱-۱-۲. عناصر درونی در حوزه سیاست‌گذاری.....
۱۸۴	۱-۲-۱. در سطح دولت.....
۱۸۵	۱-۲-۲. در سطح مردمی.....
۱۸۶	۲-۱. نهاد تنظیم‌گر و قانون‌گذار.....
۱۸۷	۱-۲-۱. عناصر تنظیم‌گر بیرونی.....
۱۹۰	۲-۲-۱. عناصر تنظیم‌گر درونی.....
۱۹۰	۳-۱. نهاد نظارت و کنترل.....
۱۹۲	۱-۳-۱. عناصر نظارت‌گر بیرونی.....
۱۹۳	۲-۳-۱. عناصر نظارت‌گر درونی.....
۱۹۳	۴-۱. نهاد فرهنگ‌ساز (تبلیغ).....
۱۹۵	۱-۴-۱. عناصر فرهنگ‌ساز درونی.....
۱۹۶	۲-۴-۱. عناصر فرهنگ‌ساز بیرونی.....
۱۹۶	۵-۱. نهاد آموزش.....
۲۰۰	۱-۵-۱. عناصر آموزشی درونی.....
۲۰۲	۲-۵-۱. عناصر آموزشی بیرونی.....
۲۰۲	۶-۱. نهاد تسهیل‌گر.....
۲۰۳	۱-۶-۱. عناصر تسهیل‌گر بیرونی.....
۲۰۳	۱-۶-۱-۱. فن‌آوری‌های اطلاعات (IT) و ارتباطات.....
۲۰۵	۱-۶-۱-۲. بانکداری الکترونیک.....

۲۰۵	۱-۶-۳. بانک‌های اطلاعاتی
۲۰۶	۱-۶-۲. عناصر تسهیل‌گر درونی
۲۰۷	۱-۷-۷. نهاد خدمت‌رسان
۲۰۹	۱-۷-۱. عناصر خدمت‌رسان درونی
۲۰۹	۱-۷-۲. عناصر خدمت‌رسان بیرونی
۲۱۰	۱-۸. کنش‌گران انفرادی
۲۱۰	۱-۸-۱. نگاه درون شبکه‌ای به کنش‌گران انفرادی
۲۱۱	۱-۸-۲. نگاه برون شبکه‌ای به کنش‌گران انفرادی
۲۱۲	۲. آثار و پیامدهای اصلاح عملکرد نهادهای تکافل اجتماعی
۲۱۳	۲-۱. افزایش احساس عزتمندی تقاضاکنندگان
۲۱۳	۲-۲. تعالی روحی و معنوی عرضه‌کنندگان
۲۱۳	۲-۳. کمک به محو تکدی‌گری و تسهیل در زدودن فقر مطلق
۲۱۴	۲-۴. گسترش انسجام، انضباط و قاعده‌مندی در حوزه خیرخواهی
۲۱۵	۲-۵. امکان شکل‌گیری دانش خیرخواهی در کشور
۲۱۶	۲-۶. تأثیر تکافل اجتماعی بر انباشت سرمایه انسانی و رشد و توسعه اقتصادی
۲۱۸	خلاصه فصل
۲۲۰	پرسش‌های فصل
۲۲۰	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل هشتم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۲۲۹	منابع
۲۲۹	۱. فارسی و عربی
۲۴۴	۲. منابع لاتین
۲۴۸	۳. پایگاه‌های اطلاع‌رسانی

پیشگفتار

نگاه علمی به فعالیت‌های خیرخواهانه پس از آن اهمیت پیدا کرد که بررسی‌های نظری و مشاهده‌های تجربی مربوط به نهادهای بازار و دولت در جایگاه هماهنگ‌کننده و سازمان‌دهنده بخش خصوصی و عمومی اقتصاد در نظام‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی نشان داد که این دو در غیاب بخش سوم اقتصاد، که مشارکت‌های داوطلبانه مردم، نمی‌توانند بعضی از کاستی‌ها و نارسایی‌های اقتصادی جامعه به‌ویژه دو معضل درهم‌تنیده نابرابری و فقر نسبی را به‌صورت کارآمد حل کنند. این در حالی است که در آموزه‌های اسلامی از همان ابتدا، بخش مهمی از مسئولیت حل مشکلات اجتماعی و تأمین نیازهای معیشتی نیازمندان جامعه بر عهده آحاد امت به‌ویژه توانمندان آنها گذاشته شده است که در اصطلاح، «تکافل اجتماعی» خوانده می‌شود و در گفتمان اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است. به‌همین دلیل، قرآن کریم با عناوینی گوناگون^۱ و با بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع تشویقی و تنبیهی^۲، انسان‌ها را به سمت تکافل اجتماعی فراخوانده و به انجام هرچه بهتر آن ترغیب کرده است (آل‌عمران: ۹۲).

یک: اهمیت موضوع

در جامعه اسلامی کمک به نیازمندان از برنامه‌های اصلی زندگی مؤمنان است (معارج: ۲۴ و

۱. مانند انفاق، زکات، صدقه، اطعام، قربانی، کفارات، ایتاء المال، اعطاء المال، صله رحم، وصیت، تعاون علی البر، ماعون، احسان، الحق المعلوم، حق الحصاد، قرض الحسنه، ایثار و... .

۲. مانند وعده پاداش‌های اخروی، بیان آثار و برکات دنیوی، انذار نسبت به عواقب ترک انفاق، استفاده از عواطف فامیلی، قومی و انسانی، تحریک حس نوع‌دوستی و... .

۲۵). زکات که در فرهنگ قرآنی، مفهومی عام‌تر از زکات مصطلح فقهی دارد و به مطلق انفاقات مالی اطلاق می‌شود، در کنار نماز از مهمترین ارکان شریعت اسلام به‌شمار آمده و پایه‌ای‌ترین مفهوم در حوزه معنایی تکافل اجتماعی است. در اهمیت کمک به نیازمندان و یتیمان همین بس که در قرآن افراد بی‌توجه به این امر در زمره منکران قیامت به‌شمار آمده‌اند (ماعون: ۱-۷). از نگاه قرآن، فقرزدایی شرط اصلی و اساسی هرگونه پیشرفت و تعالی جامعه است و برعکس، رها کردن افراد فقیر در پیچ و خم مشکلات زندگی و بی‌مسئولیتی نسبت به آنها مایه هلاکت و نابودی جامعه دانسته شده است (بقره: ۱۹۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در رسیدگی به وضعیت معیشتی فقیران اهتمام ویژه‌ای داشتند. از ایشان نقل شده که «ذمه خداوند از اهالی محله‌ای که در میان آنان شخصی گرسنه به‌سر ببرد، برداشته می‌شود» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۴۸۱-۴۸۲). ایشان انفاق بر فقرا و فراهم کردن زمینه مشارکت آنها در امور اجتماعی را وسیله موفقیت خود می‌دانستند (الترمذی، بی‌تا: ۲۹۲). از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که «خدای متعال هیچ امتی را عذاب نمی‌کند، مگر آنگاه که حقوق برادران فقیر خود را سبک شمارند» (الحرانی، ۱۴۰۴: ۳۰۳). همچنین فرموده‌اند: «هر کس از اصحاب ما که یکی از برادرانش از او طلب یاری کند و او با تمام توان به یاری او برنخیزد، به خدا و رسول خدا و به مؤمنان خیانت کرده است. ابوبصیر می‌گوید به امام علیه السلام عرض کردم: مقصودتان از «مؤمنان» چیست؟ فرمود: «از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام تا آخر ایشان» (صدوق، ۱۴۰۶: ۲۴۹). در فرمایشی از امام رضا علیه السلام، خداوند متعال، تدرستان را مکلف کرده است که به زمین‌گیران و مبتلایان برسند (صدوق، ۱۴۱۳: ۲، ۸۹).

تأمل در آیات و روایات، که به نمونه‌هایی از آنها اشاره شد، موقعیت والای تکافل اجتماعی در اسلام را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که در پیوند تنگاتنگ آن با هویت جامعه اسلامی جای تردید باقی نمانده و با اطمینان می‌توان گفت جامعه‌ای که در آن تکافل اجتماعی نهادینه نشده باشد، نمی‌تواند جامعه اسلامی به مفهوم دقیق و کامل خود باشد. تکافل اجتماعی تبلور اقتصادی مفاهیم اجتماعی «امت» و «اخوت اسلامی» و نتایج عینی پایبندی به مبانی اعتقادی، فلسفی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی اسلام است.

در اسلام از جنبه تربیتی نیز همان‌گونه که فقر وسیله آزمایش قرار داده شده و فشارهای آن نباید انسان را از خداوند دور کند، ثروت هم وسیله امتحان قرار داده شده و آسایش و رفاه ناشی

از آن نباید انسان را از خدا غافل کند. صبر و تحمل وظیفه فقیر است و توجه و رسیدگی به فقرا مسئولیت ثروتمند است. رسیدگی به تهیدستان به این دلیل مهم است که هم ثروتمند را از خطر ورشکستگی دینی حفظ می‌کند و هم فقیر را. مشارکت‌کنندگان در تکافل اجتماعی هم زندگی عزتمند را برای خودشان تضمین می‌کنند و هم برای فقرا که از شدت فقر در ورطه از دست دادن دین و ایمان‌شان قرار گرفته‌اند. تلاش‌های نظری و عملی که به تسهیل و تعمیق ارتباط این دو گروه از جامعه کمک کند، بستر حل بسیاری از مشکلات اجتماعی را فراهم کرده و موجب رشد مادی و معنوی جامعه می‌شود.

تکافل اجتماعی به‌عنوان بخش مهمی از نظام تأمین اجتماعی در اسلام بر مفاهیم ممتاز اجتماعی مانند مفهوم «امت» و «اخوت» اسلامی و مبانی ویژه‌ای از اصول اعتقادی و اخلاقی و چارچوب خاصی از سیاست‌گذاری اجتماعی استوار شده است. با تکیه بر این مبانی و ویژگی‌های برگرفته از آموزه‌های اسلامی و تحلیل متون و اسناد علمی می‌توان مدل‌های ریاضی و هندسی شرایط تعادلی و وضعیت مطلوب عرضه و تقاضای وجوه تکافلی را استخراج و ارائه کرد. همچنین با تحلیل وضعیت موجود تکافل اجتماعی در ایران می‌توان نشان داد که الگوی فعلی پاسخ‌گوی نیازها نیست و با انتظارات فاصله دارد.

تحولات سریع و ظهور نیازهای جدید در عرصه روابط اجتماعی و مناسبات اقتصادی و همچنین، پیدایش رویکردهای رقیب که از مبانی فلسفی، ارزشی و حقوقی متفاوتی نشأت گرفته‌اند، ضرورت تبیین روزآمد الگوی تکافل اجتماعی در اسلام و کارآمدسازی آن در حل مشکلات و ترمیم آسیب‌های اجتماعی را بیش از هر زمانی آشکار کرده است. تجربه‌های الگوی موجود در کنار تجربه‌های دیگر کشورها، امکان ترسیم الگوی مطلوب و کارآمد در چارچوب مفاهیم اسلامی را بیش از پیش فراهم کرده که در این کتاب آورده شده است.

استخراج الگوی مطلوب و کارآمد تکافل اجتماعی مستلزم بازخوانی مفهومی و بررسی سازوکارهای اجرایی آن در جامعه‌ای با شرایط خاص است. ازاین‌رو، چپستی اندیشه تکافل اجتماعی در چارچوب مبانی اسلامی و چگونگی کارآمدسازی سازوکار آن در ایفای نقش تکمیلی برای تأمین نیازهای معیشتی نیازمندان، در حضور نهادهای بازار و دولت و با توجه به چالش‌های موجود، مسائل اصلی و محوری‌ای هستند که مطالب این کتاب را به هم پیوند می‌زنند. محتوای کتاب به این دلیل یک پژوهش بنیادی است که به بررسی ابعاد نظری اندیشه

تکافل اجتماعی پرداخته است که ضمن کمک به پیشبرد دانش تکافل اجتماعی کشور می‌تواند به‌عنوان یک متن کمک‌آموزشی و یا منبع درسی در رشته‌های علوم اجتماعی و علوم اقتصادی استفاده شود. از آنجاکه وضعیت موجود الگوی تکافل اجتماعی در کشور را نیز به‌منظور ارائه الگوی مطلوب مطالعه و بررسی می‌کند، جنبه کاربردی نیز دارد؛ ازاین‌رو، نهادهای سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نهادهای خیریه کشور هم می‌توانند از مطالب این کتاب استفاده کنند.

دو: ادبیات موضوع

پیشینه بحث تکافل اجتماعی نشان می‌دهد که تا حدودی ادبیات آن شکل گرفته و باید تلاش‌هایی در راستای کارآمدسازی آن در حوزه‌های تطبیق و اجرا صورت بگیرد. تحقیقات و آثاری را که در شکل‌گیری ادبیات تکافل اجتماعی سهم داشته‌اند می‌توان در چند گروه دسته‌بندی کرد:

۱. آثاری که با محوریت انفاق و با تمرکز بر آیات و روایات انفاق و مفاهیم مرتبط با آن منتشر شده است. در این زمینه کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های فراوانی وجود دارند. کتاب «انفاق و صدقه در اسلام» نوشته زین‌العابدین و حسنعلی احمدی (۱۳۸۶) و کتاب «درآمدی بر سبک بخشندگی» اثر کاظم دلیری (۱۳۹۸) از این دسته‌اند؛

۲. پژوهش‌هایی که با عنوان «تکافل اجتماعی» و عناوین مشابه آن انتشار یافته‌اند. این آثار با دورویکرد تکافل اجتماعی به جای بیمه‌های متعارف و بخش مردمی تکافل اجتماعی تنظیم شده‌اند که پایان‌نامه محمدحسن محمدی‌مهر با عنوان «بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام» و مقاله عسگری و اسماعیلی گیوی (۱۳۸۷) با عنوان «صنعت تکافل، ویژگی‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو» با رویکرد اول و کتاب محمدابوزهره با عنوان «التکافل الاجتماعي فی الاسلام» و کتاب عبدالله ناصح علوان با عنوان «التکافل الاجتماعي فی الاسلام» با رویکرد دوم نوشته شده‌اند.

آثار دیگری نیز وجود دارند که تکافل اجتماعی را در ضمن بحث تأمین اجتماعی مطرح کرده‌اند که برای نمونه می‌توان به نظریه تأمین اجتماعی شهید صدر در پایان کتاب «اقتصادنا»

اشاره کرد. سیدرضا حسینی (۱۳۹۴) در کتاب «الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب»، راهکار تکافل اجتماعی را به عنوان یکی از راهکارهای سه گانه تأمین اجتماعی در اسلام (در کنار راهکارهای تدارک خصوصی و تضامن دولتی) مورد بحث قرار داده است. احمد قابل (۱۳۸۳) در کتاب «اسلام و تأمین اجتماعی: مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی» در ضمن راهبردهای حمایتی و امدادی تأمین اجتماعی به این بحث پرداخته است. مالک محمودی و همکاران (۱۳۶۵) در کتاب «تأمین اجتماعی در اسلام» آیات و روایات مربوط به این موضوع را گردآوری و دسته بندی کرده اند:

۳. آثاری که به اقتصاد بخش سوم و امور خیریه به صورت علمی پرداخته اند. کتاب «اقتصاد وقف و امور خیریه» اثر مهدی طغیانی و مرتضی درخشانی (۱۳۹۵) از این دسته است. در ابتدای اسفندماه ۱۳۹۵ بنیاد خیریه راهبری آلاء نخستین همایش خیر ماندگار را برگزار نمود. در این همایش بالغ بر هشتاد مقاله علمی در ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی امور خیر در ایران ارائه شد که خود منبع ارزشمندی برای پژوهش های خیریه محسوب می شود. توکلی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «بررسی تطبیقی نظریه ها و مدل های رفتار عام المنفعه در اقتصاد متعارف و اسلامی» به این بحث پرداخته است. افزون بر این، آثار موجود در زمینه اقتصاد فقر و راهکارهای فقرزدایی در اسلام را هم می توان از مصادیق این دسته از مطالعات به شمار آورد. در این زمینه آثار بین المللی نیز از غنای خوبی برخوردار است که برای نمونه می توان به کتاب های هندبوک «خیریه جهانی»، ویراسته و وپیکینگ و هندی (۲۰۱۷) اشاره کرد.

ادبیات موضوع تکافل اجتماعی در کنار تجربه های میدانی به ویژه آن دسته از اقداماتی که به صورت عملی و به منظور تسهیل تبادلات خیریه و شبکه سازی و ساماندهی مؤسسات خیریه انجام شده است مانند «شبکه ملی مؤسسات نیکوکاری و خیریه» که در سال ۱۳۹۵ با مجوز رسمی وزارت کشور و با مأموریت توسعه ظرفیت و توانمندسازی اعضا (مؤسسات خیریه دارای مجوز)، ارتقای سطح تعامل و همکاری بین اعضا و یکپارچه سازی و تثبیت نقش و جایگاه مدنی آنها تأسیس شد و «پایگاه اطلاع رسانی خیریه ها و سمن های کشور»، سامانه مددجویی «ویکی نیکی»، «شبکه ملی خیریه های حامی ایتم»، «سایت مرجع سازمان های مردم نهاد» و «خانه خیرین ایران» کمک خواهند کرد که مسیر رسیدن به الگوی مطلوب هموارتر شود.

تکافل اجتماعی به معنای همیاری مردم برای رفع نیازهای یکدیگر و حل مشکلات

اجتماعی جنبه‌های متعدد اقتصادی و غیراقتصادی دارد که در اینجا به دلیل اهمیت بُعد اقتصادی و همچنین، دقت و تمرکز بیشتر روی یک جنبه خاص، فقط به جنبه اقتصادی تکافل اجتماعی آن هم در خصوص نیازهای معیشتی پرداخته می‌شود. برای توضیح بیشتر، مفاهیم اصلی این کتاب معرفی می‌شود.

سه: مفاهیم اساسی

دو مفهوم «الگو» و «تکافل اجتماعی» به عنوان مفاهیم محوری این کتاب معرفی می‌شوند.

۱. الگو

در لغت‌نامه دهخدا واژه «الگو» به «روبر»، «مُدِل»، «سرمشق»، «مُقْتَدی»، «أَسْوَه»، «قدوه»، «مثال» و «نمونه» معنا شده است. در ادبیات علمی سال‌های اخیر کاربردهایی همچون الگوی مصرف، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و مانند آن زیاد به کار رفته است. عزتی درباره معنای این واژه می‌نویسد: «الگو عبارت است از بیان یک یا چند واقعیت به هم مرتبط توسط نمادهای مختلف گفتاری، نوشتاری، ترسیمی، فیزیکی و مانند اینها. برای بیان و ارائه الگو به تناسب نوع کاربرد آن از نمادهای مختلف استفاده می‌شود. به بیان ساده، الگو یک چارچوب برای انجام یک فعالیت است که برای نشان دادن و بیان این چارچوب از ابزار[های] مختلفی استفاده می‌کنیم» (۱۳۸۸: ۲۰).

محمدی ری‌شهری می‌نویسد: «مقصود از الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث ارائه معیارها، بایدها و نبایدهایی است که برای اصلاح شیوه مصرف در جامعه اسلامی در قرآن و سخنان پیشوایان اسلام آمده است» (۱۳۸۸: ۱۱). میرمعزی الگو را به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین اطلاق می‌کند که در یک ساختار منطقی برای توضیح و تفسیر یک سیستم از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روش‌ها، فرآیندها، تئوری‌ها و نظریات ارائه می‌شود (۱۳۸۹: ۲۳).

با توجه به معنای لغوی الگو و کاربردهای اصطلاحی آن در ادبیات اخیر می‌توان نوشت منظور از الگو در مواردی که به یک رفتار و یا مفهوم ارزشی اضافه می‌شود، ارائه چارچوب اساسی، خطوط کلی و باید و نبایدهایی است که ماهیت آن رفتار و یا مفهوم ارزشی را متعین

می‌کند. منظور از الگو در این کتاب همین معنای اخیر است؛ زیرا تکافل اجتماعی یک مفهوم ارزشی است که ماهیت آن با بررسی چارچوب نظری، مبانی اعتقادی، فلسفی و رفتاری و بایدها و نبایدهای فقهی، بایسته‌های اخلاقی و معیارهای اقتصادی متعین و راهکارهایی برای حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب تبیین شده است.

۲. تکافل اجتماعی

از نظر لغت‌شناسی، ریشه «تکافل» به «کفل» می‌رسد: «تکافل القوم: کفل بعضهم بعضا»؛ یعنی بعضی، بعضی دیگر را کفیل شدند (معلوف، بی تا: ۶۹۱؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۲۵۰). در کتاب «معجم مقاییس اللغه»، ماده «کفل» دلالت بر تعهد کسی به کسی دیگر می‌کند. کفالت و کفیل برای اشخاص، از همین ریشه است؛ یعنی احمد، کفیل محمود شد یا محمود را کفالت کرد؛ همان‌طور که در قرآن آمده «وکفلها زکریا» (آل عمران: ۳۷)؛ حضرت زکریا کفالت حضرت مریم را بر عهده گرفت. همین ریشه وقتی در مورد اموال به کار می‌رود، به معنای ضمانت است: «أکفلته المال» به معنای «ضمّنته اياه» است؛ یعنی آن مال را برایش ضمانت کردم (احمد بن فارس، ۱۴۰۴: ۵، ۱۸۸). راغب اصفهانی نیز کفالت را عهده‌دار شدن و تضمین امری تا مرز کفایت معنا کرده و برای تأیید آن، به این فرمایش خداوند استشهاد کرده است: «أَكْفُلْنِيهَا» (ص، ۲۳)؛ یعنی مرا کفیل، عهده‌دار و ضامن امور او گردان (۱۴۱۲ق: ۱، ۷۱۷). نویسنده کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» پس از بررسی معانی مختلف ریشه «کفل»، این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ التَّعَهُدُ بِتَأْمِينِ أُمُورِ شَخْصٍ وَمَعَاشِهِ فَعَلًا وَالضَّمَانُ هُوَ تَعَهُدٌ قَلْبِيٌّ فَقَطْ» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۰، ۸۸). معنای اصلی ریشه کفل، متعهد شدن به تأمین امور شخص و معیشت او در عمل است؛ درحالی‌که ضمانت، صرف تعهد قلبی است.

از بررسی معنای ریشه «کفل» در کتاب‌های لغت استنباط می‌شود که معنای اصلی آن، عهده‌دار شدن امور شخصی و معیشتی انسان است و دیگر معانی از مصادیق معنای اصلی به‌شمار می‌رود. از آنجاکه «تکافل» از باب «تفاعل» یکی از ابواب ثلاثی مزید «کفل» است، معنای غالب آن، مشارکت در به‌عهده گرفتن امور یکدیگر است. به‌همین دلیل، تکافل بین دو شخص و بیشتر اتفاق می‌افتد که هریک از آنها «کافل» دیگری گفته می‌شود. کافل کسی است

که مخارج زندگی انسانی را بر عهده گرفته و خرجش را می‌دهد (حماد، ۱۴۲۹: ۱۴۸). از نظر معنای اصطلاحی، تکافل اجتماعی اصطلاح جدیدی است (همان: ۱۴۸) که برای روشن شدن آن به تعدادی از تعریف‌های پژوهشگران مسلمان اشاره می‌شود:

۱. محمد ابوزهره از کسانی است که اصطلاح «تکافل اجتماعی» را به کار برده است. وی در آغاز کتاب «تکافل اجتماعی در اسلام» می‌نویسد مقصود از تکافل اجتماعی در معنای لفظی این است که همه افراد در پی برآوردن نیازها و انجام دادن امور جامعه خود باشند و هر توانایی قدرتمندی قسمتی از امور بر زمین مانده جامعه را عهده‌دار شود. هر نیروی اجتماع، نخست برای نگهداری سودمندی‌های یکایک افراد و از بین بردن زیان‌ها یک‌جا به کار افتد، سپس به پاسداری از ساختمان اجتماع بر پایه زیان‌زدایی و بنیان‌گذاشتن آن بر شالوده‌هایی راست و درست بپردازد.

تکافل اجتماعی ایجاب می‌کند نیاز ناتوانان برآورده شود و بیچارگان با چاره شوند و برای توانمندان کار ایجاد شود و نسل در حال رشد چنان پرورش داده شود که همه آمادگی‌ها و نیروهای نهفته آنان آشکار شود و خردسالان یتیم سرپرستی شوند و جامعه وظیفه دارد در زندگی کارگرانی که پس از مدت‌ها خدمت و بهره‌رسانی ناتوان شده‌اند در برابر خدمت‌های آنان به جامعه در روزگار نیرومندی، تسهیلاتی فراهم آورد (محمد ابوزهره، ۱۹۹۱م: ۷-۸).

۲. عبدالله ناصح علوان در تعریف «تکافل اجتماعی» می‌نویسد تکافل اجتماعی یعنی افراد جامعه بدون در نظر گرفتن موقعیت فردی یا اجتماعی و بدون در نظر گرفتن جایگاه مسئولیتی خود پشتیبان یکدیگر و یاور هم باشند. این پشتیبانی می‌تواند در امور ایجابی مثل مواظبت از ایتمام و یا در امور سلبی همانند تحریم احتکار باشد. انگیزه این همیاری از اصل اعتقاد به اسلام می‌جوشد تا اینکه فرد بتواند در حمایت جامعه زندگی کند و جامعه بتواند با همیاری افراد به حرکت خویش ادامه دهد و همه افراد برای تشکیل جامعه فاصله با یکدیگر تعاون و همکاری نمایند و ضرر را از افراد جامعه دور نماید (بی‌تا: ۱۵).

۳. زاهدی اصل می‌نویسد تکافل در باب تفاعل، یک امر متقابل و دوطرفه است؛ یعنی مسئولیت‌ها و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند؛ یعنی تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت مرتفع ساختن مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی؛ یعنی امداد نیازمندان جامعه و تأمین احتیاجات محتاجان (۱۳۹۸: ۸۵ و ۸۶).

از این تعریف‌ها برمی‌آید که تکافل اجتماعی در اسلام مختص تکافل اقتصادی نیست و شامل حوزه‌های دیگری مانند تکافل علمی، سیاسی، دفاعی، اخلاقی و به‌طورکلی تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی انسان می‌شود (عبدالعال، ۱۴۱۸: ۱۳؛ البهی الخولی، ۱۴۰۱: ۳۳۶؛ حاجی، ۱۹۸۷م: ۱، ۲۸۸؛ البنهان، ۱۹۸۴م: ۳۸۵-۳۹۷).

شهید صدر رحمته‌الله به جای «تکافل اجتماعی» از عنوان «تکافل عمومی» استفاده کرده و در تعریف آن می‌نویسد: تکافل عمومی یکی از پایه‌های تأمین اجتماعی است که براساس آن، اسلام کفالت بعضی از مسلمانان را بر بعضی دیگر واجب کفایی قرار داده است که باید همانند التزام به سایر واجبات، در حد ظرفیت و امکانات خود به آن اقدام کنند (۱۴۱۷: ۶۶۲).

این مقدار از کنکاش در مفهوم «تکافل اجتماعی» نشان می‌دهد که دو نوع برداشت وسیع و ضیق از این مفهوم وجود دارد. کسانی مانند محمدابوزهره، علوان و زاهدی اصل، تکافل اجتماعی را مشتمل بر تکالیف الزامی و غیرالزامی می‌دانند که افزون بر تأمین نیازهای معیشتی، دیگر نیازهای انسان را نیز شامل می‌شود؛ اما شهید صدر، آن را از تکالیف الزامی می‌داند که تنها ناظر به تأمین نیازهای معیشتی است. در مباحث این کتاب، از جهت دایره شمول، نظر شهید صدر مورد توجه قرار گرفته و تکافل اجتماعی به‌عنوان جزئی از برنامه تأمین اجتماعی و معطوف به نیازهای معیشتی افراد بررسی شده و از جهت وسعت دایره حکم، دیدگاه امثال محمد ابوزهره ترجیح داده شده و تکافل اجتماعی به‌نحوی هر دو سطح الزامی و غیرالزامی را پوشش داده است. بنابراین، منظور از «تکافل اجتماعی» در مباحث پیش‌رو، احساس مسئولیت الزامی و غیرالزامی مسلمانان در قبال وضعیت معیشتی همدیگر است؛ به‌گونه‌ای که هر توانمندی وظیفه دارد در تأمین مخارج زندگی ناتوانان چه از طریق واجبات مالی مانند زکات‌های واجب و چه مستحبات مالی مانند انفاق‌های مستحب مشارکت کند.

چهار: فصل‌بندی کتاب

مطالب کتاب هشت فصل دارد. در فصل نخست، چارچوب نظری بخش خیریه و تکافل اجتماعی در ابعاد اثباتی و هنجاری از منظر علم اقتصاد و آموزه‌های اسلامی بررسی شده است. در فصل دوم، به منظور تبیین تمایزهای مبنایی بخش خیریه در اقتصاد متعارف و تکافل اجتماعی در اسلام به مبنای معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی

تکافل اجتماعی و رویکرد مبنایی اسلام به مفاهیم فرد و جامعه و همچنین مبانی رفتاری در چارچوب اسلامی توجه شده است. فصل سوم به تحلیل فقهی تکافل اجتماعی اختصاص یافته است. هدف این فصل، بیان احکام و ضوابط فقهی تکافل اجتماعی در خصوص مضمولان دریافت خدمات تکافلی و همچنین، احکام ناظر بر تأمین مالی تکافل است.

در فصل چهارم، نخست جایگاه تکافل اجتماعی در فلسفه اخلاق به صورت تطبیقی بررسی شده و سپس، اصول اخلاقی و بایدها و نبایدهای حاکم بر رفتار عرضه کنندگان و تقاضاکنندگان و جوه تکافلی به بحث گذاشته شده است. فصل پنجم درصدد ارائه پاسخ علمی به این پرسشها برآمده که با توجه به تفاوت ماهوی و انگیزشی رفتارهای تکافلی با رفتارهای منفعت جویانه، عرضه و تقاضای خدمات تکافلی و وضعیتهای تعادلی و مطلوب آن چگونه به دست می آید و راه حل خروج از وضعیت عدم تعادل و رسیدن به وضعیت مطلوب چیست؟

در فصل ششم وضعیت موجود تکافل اجتماعی و نهادهای خیریه در ایران و جهان بررسی شده است. در فصل هفتم تحلیلی نهادنگاشتی از الگوی مطلوب تکافل اجتماعی در قالب شبکه ای متشکل از نهادهای متولی سیاست گذاری، قانون گذاری، نظارت، آموزش، فرهنگ سازی، تسهیل گری، خدمت رسانی و کنش گران انفرادی امور خیریه ارائه شده و در فصل هشتم، جمع بندی و نتیجه گیری صورت گرفته است.

فصل اول

چارچوب نظری تکافل اجتماعی در اسلام

هدف کلی

تبیین جایگاه تکافل اجتماعی در نظریه نظام اجتماعی - اقتصادی اسلام

اهداف رفتاری

انتظار آن است که دانشجو پس از مطالعه این فصل بتواند موارد زیر را توضیح دهد:

- جایگاه تکافل اجتماعی در نظریه اقتصاد اسلامی
- رابطه تکافل اجتماعی با بخش خصوصی و بخش دولتی در اقتصاد اسلامی
- نقش و اهمیت تکافل اجتماعی در سیاست‌گذاری اجتماعی اسلام
- نقش تکافل اجتماعی در تأمین اهداف غایی سیاست‌گذاری اجتماعی در اسلام
- مسئولیت و وظایف دولت و نهادهای اسلامی در تحقق تکافل اجتماعی

واژگان کلیدی: بخش خیریه، تکافل اجتماعی، نظریه سه شکست، اهداف اجتماعی اسلام

مقدمه

در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی یک جامعه، گونه‌ای از فعالیت وجود دارد که نه می‌توان آن را خصوصی نامید چون غیرانتفاعی است و با انگیزه کسب سود انجام نمی‌شود و نه دولتی و عمومی نامید چون توسط مردم صورت می‌گیرد. نام آن را «اقتصاد بخش سوم» گذاشته‌اند که در کنار بخش خصوصی و بخش دولتی (عمومی) جای گرفته است. با وجودی که این بخش از

نخستین روزهای اسلام، ظهور و بروز قوی در جامعه اسلامی و کارکرد مؤثر در اقتصاد اسلامی داشت، اما همواره جنبه‌های اخلاقی-مذهبی آن بر جنبه‌های اقتصادی آن غلبه داشته و مسلمانان به آن به‌عنوان یک امر ارزشی نگریده‌اند.

با شکل‌گیری اقتصاد متعارف و ورود تحلیل‌های آن به حوزه اقتصاد خیریه، اقتصاددانان مسلمان نیز کم‌کم ترغیب شده و جرأت پیدا کرده‌اند که به جنبه‌های اقتصادی فعالیت‌های خیریه نیز توجه کنند. این توجه از دو جهت صورت گرفته است: یکی از جهت نقش بخش خیریه در اقتصاد اسلامی و دیگری از جهت اقتصادی بودن بخش خیریه. هر دو جهت، به مطرح شدن بخش خیریه به‌عنوان بخش سوم اقتصاد مؤثر بوده است. تکافل اجتماعی که حالت کلی و فراگیر بخش خیریه در اقتصاد اسلامی و به‌نحوی فلسفه وجودی بخش خیریه در اسلام به‌شمار می‌رود، نیز در معرض دو پرسش ناشی از سوگیری جدید قرار گرفته است:

۱. نقش تکافل اجتماعی در اقتصاد اسلامی چیست؟

۲. فعالیت‌های تکافلی موجود، تا چه حد توجیه اقتصادی دارد؟

پرسش نخست، ناظر به جایگاه تکافل اجتماعی در اقتصاد اسلامی و پرسش دوم، ناظر به میزان کارایی تکافل اجتماعی در اقتصاد اسلامی است. پاسخ هر دو پرسش، نخست در چارچوب علم اقتصاد رایج پیگیری می‌شود که جنبه اثباتی قضیه را بررسی کرده است و سپس، در چارچوب سیاست‌گذاری اجتماعی اسلام بررسی خواهد شد که از جنبه هنجاری به قضیه نگاه کرده است.

۱. جایگاه بخش خیریه در اقتصاد اثباتی: نظریه سه شکست

«نظریه سه شکست» نظریه‌ای است که جایگاه بخش خیریه در اقتصاد را توضیح داده است. این نظریه کارکرد بخش‌های سه‌گانه اقتصاد را در یک چرخه یا دایره تعاملی بین آنها ارائه داده و نشان می‌دهد هر یک از بخش‌ها در چه زمینه‌هایی کارایی دارند و در چه زمینه‌هایی با شکست مواجه می‌شوند و این شکست چگونه توسط دو بخش دیگر جبران می‌شود.

۱-۱. شکست بازار

بازار به‌عنوان نهاد تنظیم‌کننده فعالیت‌های بخش خصوصی در عرضه کالاهای عمومی،

کالاهای جمعی استثنای پذیر و قراردادها با ناکارآمدی یا شکست مواجه است. کالاهای عمومی محض به دلیل دو ویژگی رقابت ناپذیری و استثنای ناپذیری در بازار تولید نمی شوند؛ زیرا مصرف کنندگان می توانند بدون پرداخت هیچ هزینه ای از آنها مصرف کنند و این باعث می شود که بنگاه های انتفاعی انگیزه ای برای تولید و عرضه این گونه کالاها نداشته باشند. بنگاه های انتفاعی کالاهایی را تولید و عرضه می کنند که اول، مصرف یک نفر از آن کالا مانع مصرف دیگران شود و دوم، بتوان از مصرف کسی که هزینه کالا را پرداخت نکرده جلوگیری کرد. در این دو صورت مصرف کنندگان مجبورند هزینه کالا را بپردازند. برای جبران این شکست، دولت به عنوان بخش عمومی وارد عمل می شود و تولید این گونه کالاها را یا خود به عهده می گیرد و یا هزینه تولید آنها را پرداخت می کند (توکلی، ۱۳۸۰: ۱۲۷-۱۴۲). سازمان های غیرانتفاعی - بخش خیریه - نیز می توانند شکست بازار در تولید برخی از کالاهای عمومی را جبران کنند (طغیانی و درخشانی، ۱۳۹۵: ۱۱۶-۱۲۰).

مورد دیگری که ممکن است به شکست بازار بینجامد، کالاهای رقابت ناپذیر اما استثنای پذیرند. برخی از کالاها مانند نمایش های هنری، رقابت پذیر نیستند زیرا اضافه شدن یک فرد به جمع تماشاگران، از لذت بردن دیگران نمی کاهد؛ اما تولیدکنندگان نمایش های هنری می توانند کسانی را که هزینه پرداخت نکرده از تماشا استثناء کنند. به این گونه کالاها، کالاهای جمعی^۱ گفته می شود (همان، ۱۳۹۵: ۱۱۸). مشکل بازار در تولید این نوع کالاها، «محروم سازی بیش از حد» است. بنگاه های انتفاعی به دلیل ترس از دست دادن درآمد از ناحیه مشتریانی که هزینه تماشای نمایش را پرداخت می کنند، ممکن است سخت گیری بیش از حد در مورد استثناء کردن به خرج دهند؛ به گونه ای که حتی پرداخت کنندگان هزینه نیز مشمول استثناء شوند و در نتیجه موجب ناکارایی و شکست بازار شود (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳: ۶۱-۸۸).

«شکست قراردادی» آخرین مورد شکست بازار است. این شکست در شرایط اطلاعات ناقص بروز می کند. حتی در تولید کالاهای خصوصی، اطلاعات فروشنده و خریدار متقارن نیست. به طور معمول، اطلاعات فروشنده در مورد کمیت و کیفیت کالاها و خدمات بیش از خریدار

1. Collective goods.

است. شکست بازار هنگامی است که بنگاه‌های انتفاعی با استفاده از اطلاعات خود درصد سودجویی برآیند. آنان با آگاهی از اینکه مصرف‌کننده نمی‌تواند اطلاعات دقیق در مورد کمیت و کیفیت کالاها و خدمات به‌دست آورد، انگیزه پیدا می‌کنند که برای افزایش سود خود، کالاها و خدمات بی‌کیفیت را به قیمت باکیفیت عرضه کنند. در اینجا دولت می‌تواند وارد شود و با قانون‌گذاری و فراهم کردن اطلاعات، حداقل‌ها را در این زمینه تأمین کند (توکلی، ۱۳۸۰: ۵۴). نهادهای خیریه نیز می‌توانند با ورود خود مواردی مانند برخی خدمات پزشکی و آموزشی را جبران کنند (طغیانی و درخشانی، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

۱-۲. شکست دولت

دولت شکست بازار در تأمین کالاهای عمومی را تا حدودی جبران می‌کند؛ اما تنها می‌تواند یک نوع کالای عمومی را به همه مشتریان با سلیق و خواسته‌های متنوع عرضه کند. شاید برخی از شهروندان سطح بالا و سبک خاصی از کالای عمومی را تقاضا کنند که دولت نتواند به خواسته آنان پاسخ دهد (صباغ‌کرمانی و عاقلی، ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۴۸). دولت یک نوع خدمات درمانی را برای همه فراهم می‌کند و همه به هر میزان که بخواهند می‌توانند از آن بهره‌مند شوند بدون اینکه از لحاظ فنی امکان توجه به سلیق متنوع افراد وجود داشته باشد. برخی از شهروندان از کالای عمومی عرضه‌شده دولت راضی نمی‌شوند و دولت در تأمین خواسته‌های آنان ناکارآمد است. قیمت‌گذاری لیندال که براساس آن هر کس متناسب با شدت ترجیحات خود، قیمت پرداخت کند نیز در دنیای واقعی چندان اجرایش نیست (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳: ۶۱-۸۸). موضوع مهاجرت از منطقه کم‌برخوردارتر از کالاهای عمومی به مناطق پربرخوردارتر تا حدودی ترجیحات بیشتری را برآورده می‌کند؛ اما مشکل را به‌کلی برطرف نمی‌کند (طغیانی و درخشانی، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۸). سازمان‌های خیریه و غیرانتفاعی بخشی از این مشکل را برطرف می‌کنند. به‌عنوان مثال، سازمان‌های خیریه می‌توانند بخشی از تقاضای سطح بالا را تأمین کنند که توسط دولت تأمین نمی‌شود. سطح مراقبت‌های پزشکی مربوط به بیماری‌های خاص یک نمونه از این موارد است (همان: ۱۳۲).

موضوع دیگری که برای دولت مشکل‌ساز می‌شود، اجباری بودن پرداخت‌هاست. پرداخت‌های فردی در بازار به‌صورت داوطلبانه است؛ اما در بخش عمومی بسیار دشوار است.

که افراد به صورت داوطلبانه مالیات‌های خود را بپردازند. نوع غالب این پرداخت‌ها، اجباری است و افراد بسیار کمی یافت می‌شوند که در صورت نبود اجبار حاضر شوند مالیات‌های خود را پرداخت کنند. اگر به این موضوع، بحث ارتباط نداشتن بین میزان پرداخت افراد با میزان استفاده آنان از کالای عمومی را بیفزاییم، مشکل دولت شدت بیشتری هم پیدا می‌کند (همان: ۱۲۸-۱۲۹). در اینجا نیز ورود بخش خیریه می‌تواند تا حدودی از مشکلات بکاهد. اگر برخی از کالاهای عمومی توسط سازمان‌های خیریه عرضه شود، پرداختی‌های استفاده‌کنندگان از این کالاها از اجباری بودن، خارج و حالت داوطلبانه به خود می‌گیرد؛ به‌ویژه اگر تناسب بین میزان پرداخت و دریافت کالا یا خدمت رعایت شود. حتی اگر این تناسب رعایت هم نشود، داوطلبانه بودن پرداخت، تناسب نداشتن را تا حدودی کم‌رنگ می‌کند (همان: ۱۳۴).

مورد دیگری که ممکن است شکست دولت را رقم بزند، نحوه استفاده مردم از کالاها و خدمات عمومی است. یک‌نوع عدم تقارن اطلاعات بین مردم و دولت وجود دارد. دولت نمی‌تواند مطمئن شود که مردم از کالاها و خدمات عمومی به نحو درست و مناسب استفاده می‌کنند. همواره خطر سوءاستفاده از کالاها و خدمات عمومی و در نتیجه تخریب و نابودی آنها وجود دارد؛ حتی زمانی که چنین چیزی برای دولت آشکار شود، دولت توان اصلاح آن را ندارد (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳: ۶۱-۸۸).

۱-۳. شکست بخش خیریه

شکست قراردادی مشکل مشترک بخش خصوصی و دولتی است. عدم تقارن اطلاعات، بنگاه‌های انتفاعی را به سودجویی بیشتر و مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات عمومی را به سوءاستفاده و تخریب بیشتر آنها وسوسه می‌کند. بخش غیرانتفاعی به دلیل عدم توزیع سود و اعتماد مردم به این نهاد و آمادگی برای همکاری با آن به‌ویژه در آشکارسازی اطلاعات پنهان، مشکل شکست قراردادی را ندارد؛ از این رو مواردی از کالاها و خدمات عمومی یا جمعی را که به‌خاطر مشکل شکست قراردادی نمی‌توان به بخش خصوصی یا بخش عمومی واگذار کرد، می‌توان به بخش خیریه سپرد (طغیانی و درخشانی، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

همچنین، سرمایه اجتماعی به نام «اعتماد مردم» که در بخش سوم وجود دارد، به این سازمان‌ها امکان می‌دهد که مسئله «محروم‌سازی بیش از حد» در مورد کالاهای جمعی

استثناپذیر را با اعمال تبعیض قیمتی کامل حل کند. بنگاه‌های انتفاعی به دلیل اینکه مردم به آنها اعتماد ندارند و اطلاعات واقعی خود را برای آنها آشکار نمی‌کنند، از اعمال تبعیض قیمتی کامل ناتوانند. این موضوع در مورد بنگاه‌های غیرانتفاعی درست نیست؛ زیرا مردم به آنها اعتماد دارند و اطلاعات واقعی خود را آشکار می‌کنند؛ چون می‌دانند از اطلاعات آنها علیه خودشان استفاده نمی‌شود؛ از این رو، تمایل به پرداخت خود را در قالب بخشش آشکار می‌کنند. به هر صورت، مردم در مواجهه با سازمان‌های خیریه، صادقانه‌تر رفتار کرده و اگر واقعاً تمایل به پرداخت داشته باشند، معمولاً آشکار می‌کنند. این موضوع به این سازمان‌ها اجازه می‌دهد که در کالاهای جمعی استثناپذیر، اعمال تبعیض قیمتی داوطلبانه کنند و از «محروم‌سازی بیش از حد» جلوگیری به عمل آورند (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳: ۶۱-۸۸).

با وجود دیدگاه‌های مثبت راجع به عملکرد بخش سوم در ارائه بهتر برخی از کالاها و خدمات عمومی، دلایلی برای شکست این بخش نیز مطرح شده است. سالامون^۱ برای نخستین بار، چهار مورد را برای شکست ذاتی بخش خیریه بررسی کرده که عبارتند از: ۱. عدم کفایت نوع دوستی؛ ۲. ویژه‌گرایی نوع دوستی؛ ۳. پدرسالاری نوع دوستی^۴ و ۴. عدم حرفه‌ای بودن (آماتور بودن) نوع دوستی.^۵ «عدم کفایت نوع دوستی» به این موضوع اشاره دارد که نیازهای اجتماعی بالاتر از آن است که با نوع دوستی موجود در سازمان‌های غیرانتفاعی برطرف شود؛ به ویژه اگر به مسئله «سواری مجانی» نیز توجه شود. برخی شاید به دلیل اینکه دیگران کمک می‌کنند، کمک نکنند و یا به کالاهای عمومی فراهم شده از کمک دیگران بسنده کنند. با وجود این مشکل، باید توجه کرد که عدم کفایت در زمان وجود بخش سوم، بسیار کمتر از زمان عدم وجود آن است. (Salamon, 1987: 99-117).

«ویژه‌گرایی نوع دوستی» به این نکته توجه دارد که معمول سازمان‌های غیرانتفاعی، به سمت یک نژاد خاص، مذهب خاص، منطقه جغرافیایی خاص و یا گروه‌های ایدئولوژیک خاص گرایش

-
1. Salamon.
 2. Philanthropic insufficiency.
 3. Philanthropic particularism.
 4. Philanthropic paternalism.
 5. Philanthropic amateurism.

چارچوب نظری تکافل اجتماعی در اسلام ۱۷

دارند و کمک‌های خود را محدود به آنها می‌کنند. این موضوع گاه در «عدم کفایت نوع‌دوستی» ریشه دارد. وقتی سازمان‌ها دیدند که میزان کالاها و خدمات تولیدشده توسط آنها برای همه کفایت نمی‌کند، سراغ اولویت‌بندی براساس یکی از موارد خاص ذکرشده می‌روند. «پدرسالاری نوع‌دوستی» به مشکل تشخیص نیازها اشاره دارد. بنگاه‌های غیرانتفاعی کالاها و خدماتی را تولید و عرضه می‌کنند که مدیران و مالکان این بنگاه‌ها به‌عنوان نیاز مردم تشخیص می‌دهند؛ درحالی‌که ممکن است نیاز مردم متفاوت باشد از آنچه آنان تشخیص داده‌اند. این موضوع در مورد وقف بیشتر احساس می‌شود. «آماتورگرایی» به این دلیل در سازمان‌های غیرانتفاعی وجود دارد که آنها بیشتر به دنبال استفاده از کارگران و کارمندان غیرحرفه‌ای و آماتور با ویژگی تعهد و وجدان کاری هستند و کمتر در پی کارگران متخصص و حرفه‌ای‌اند؛ ازاین‌رو سطح کیفی خدمات و کالاهای آنها از سطح استاندارد روز اندکی پایین‌تر است (طغیانی و درخشانی، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

قید عدم توزیع سود در بخش غیرانتفاعی، گرچه باعث افزایش اعتماد مردم به این بخش و کاهش قابل ملاحظه شکست قراردادی می‌شود؛ اما باعث پدید آمدن مشکلی به‌نام «ناکارایی‌های تولیدی و تخصیصی» نیز می‌شود. ساختار مالکیتی که در سازمان‌های غیرانتفاعی وجود دارد از جمله توزیع نشدن سود بین مدیران سازمان، باعث کاهش توجه و انگیزه مدیران به امور اقتصادی و حداقل کردن هزینه‌ها می‌شود. افزایش هزینه‌ها، موجب ناکارایی در ترکیب مواد اولیه و ناتوانی سازمان در واکنش مناسب نسبت به افزایش تقاضا شده که سبب بروز ناکارایی‌های تولیدی و تخصیصی می‌شود. توجه‌نکردن برخی از سازمان‌های غیرانتفاعی به سلیقه‌های مصرف‌کنندگان به این ناکارایی دامن می‌زند (همان: ۱۴۹).

دولت و بازار برخی شکست‌های بخش سوم را جبران می‌کنند. بازار می‌تواند ناکارایی تولیدی و تخصیصی را حل کند؛ مشروط بر اینکه بخش انتفاعی و غیرانتفاعی به‌صورت هم‌زمان در بازار وجود داشته باشند. رقابت بین آنها بخش غیرانتفاعی را مجبور می‌کند یا مثل بخش انتفاعی عمل کند یا از بازار خارج شود. البته معافیت‌های مالیاتی، یارانه‌ها و دیگر حمایت‌هایی که بخش غیرانتفاعی از آنها برخوردار می‌شود، رقابت را برای آن ساده‌تر می‌کند. دولت نیز می‌تواند با تخصیص منابع بیشتر و ویژه‌گرایی کمتر و با ارزیابی بهتر و شاید افراد متخصص بیشتر، برخی از مشکلات ذاتی بخش غیرانتفاعی مانند عدم کفایت نوع‌دوستی، ویژه‌گرایی نوع‌دوستی، پدرسالاری نوع‌دوستی و آماتورگرایی را تا حدودی جبران کند (همان: ۱۵۰-۱۵۱).

۱-۴. نقد و بررسی نظریه

نظریه سه شکست با وجود موفقیت در توضیح ناکامی‌های بخش‌های سه‌گانه کاستی‌هایی دارد که برطرف کردن آنها به تکامل نظریه کمک می‌کند. یکی از کاستی‌ها، توجه نکردن به اهداف سازمان‌های غیرانتفاعی به‌عنوان عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات است. اینکه چرا سازمان‌های غیرانتفاعی بدون انتفاع شخصی وارد بازار می‌شوند و چه اهدافی را از این کار دنبال می‌کنند و چه موقع تشکیل می‌شوند تا فعالیت خود را در یک بخشی آغاز کنند به فهم بسیاری از مسائل از جمله درکی از جانب عرضه کمک می‌کند. گرچه هنوز پرسش‌ها و ابهام‌های زیادی باقی می‌ماند؛ پرسش از اینکه این سازمان‌ها چگونه نسبت به سیاست‌گذاری عمومی، رقابت، اوضاع اقتصادی و یا فناوری واکنش نشان می‌دهند؟ اگر این سازمان‌ها قابل اعتمادترند، چرا رقبای خود را از بازار خارج نمی‌کنند؟ اگر ناکارآمدترند، آیا فقط به خاطر یارانه نجات پیدا می‌کنند؟ اگر مزیت اعتماد و عدم مزیت ناکارایی در این سازمان‌ها با هم تسویه شود، آیا یک سهم بازاری مشخص برای بخش غیرانتفاعی وجود دارد؟ (همان: ۱۵۱-۱۵۲)

دومین کاستی این نظریه، تمرکز بیش از حد بر کارایی و نادیده گرفتن دیگر نقش‌های بخش خیریه است. کارایی به اندازه کیک اقتصاد توجه می‌کند؛ درحالی‌که سازمان‌های غیرانتفاعی بیشتر به دلیل عدالت توزیعی، کاهش فاصله طبقاتی و جبران فقر وارد عمل می‌شوند؛ موضوعی که بازار در آن شکست خورده و این سازمان‌ها می‌خواهند آن شکست را جبران کنند. افزون‌براین، کارایی نسبت به ترجیحات از پیش تعیین‌شده مصرف‌کنندگان تعریف می‌شود؛ درحالی‌که این سازمان‌ها می‌خواهند ترجیحات مردم را تغییر دهند.

آخرین مورد از کاستی نظریه سه شکست این است که در آن فقط به وظایف مشخص بخش سوم در مقابل نقش‌های مشخص بازار و دولت توجه شده است؛ درحالی‌که حضور در بخش سوم تنها به معنای انجام چند وظیفه نیست؛ بلکه بیشتر به معنای همراهی با دیگران و حل مشکلات آنهاست. نوع‌دوستی، همراهی و همدردی با مردم فلسفه وجودی بخش سوم است. با این جهت‌گیری، شاید نوع‌دوستی، ویژه‌گرایی و آماتورگرایی دیگر نقطه ضعف این سازمان‌ها نباشند (همان: ۱۵۲-۱۵۳).

برای قرار گرفتن در مسیر تکمیل نظریه باید به جانب عرضه توجه شود؛ به‌ویژه وقتی بخش غیرانتفاعی با مشکل کمبود عرضه روبه‌رو است. در یک رویکرد ترکیبی، تصمیم‌های عرضه